

سلافة الأئمة

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم آقای یاسر حیرانی تحت  
عنوان بلور الیم ... امیر بی ... در دوره ... ...

را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد  
می کند.

اعضای هیات داوران

۱- استاد راهنما دکتر

۲- استاد مشاور دکتر

۳- استاد ناظر دکتر

۴- استاد ناظر دکتر

۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی دکتر

## آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

### دانشگاه تربیت مدرس

**مقدمه:** با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.



بسمه تعالی

## آیین‌نامه چاپ پایان‌نامه (رساله)‌های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان‌نامه (رساله)‌های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت‌های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می‌شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان‌نامه (رساله)‌ی خود، مراقب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

کتاب حاضر، حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته علوم سیاسی است که در سال ۱۳۸۷ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خاتم / جناب آقای دکتر سید علی حسینی، مشاوره سرکار خاتم / جناب آقای دکتر عباس مؤمنی و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر از آن دفاع شده است.

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می‌کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب یارسان حسینی دانشجوی رشته علوم سیاسی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می‌شوم.

نام و نام خانوادگی: یارسان حسینی  
تاریخ و امضا: ۱۳۸۷/۰۴/۲۱



دانشگاه تربیت مدرس  
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه سیاسی

پلورالیسم ارزشی و آزادی در اندیشه آیزایا برلین

نگارنده  
یاشار جیرانی

استاد راهنما  
دکتر سید علیرضا حسینی بهشتی

استاد مشاور  
دکتر عباس منوچهری

اسفند ۱۳۸۷

## سپاسگزارم از:

دکتر سید علی رضا حسینی بهشتی، استاد راهنمای من، به خاطر همه چیز: از راهنمایی علمی اش گرفته تا شخصیت دوست داشتنی و تحسین برانگیزش. دین ایشان بر گردن من فراتر از این تحقیق است.

دکتر عباس منوچهری، استاد مشاور من، به خاطر کلاسهای درسی سودمندش در طول دو سال تحصیل من در دانشگاه تربیت مدرس، و به خاطر راهنمایی های با ارزشش برای اینکه "سرشت تلخ" این تحقیق کمی "شیرین" گردد.

دکتر مصطفی یونسی، استاد من، به خاطر بزرگ منشی اش، به خاطر تمام کلاسهای مفیدش در باب یونان باستان، به خاطر احترامش به شخصیت دانشجوی، و به خاطر لطف زیادی که به من داشت.

دکتر مسعود غفاری، استاد من، از همه بالاتر به خاطر صداقت فکری و دغدغه مندی اش، و به خاطر کلاسهای بحث بر انگیز و جذابش.

سید جواد حیدری، دوست فرهیخته من، به خاطر اینکه با حوصله متن خسته کننده این تحقیق را از ابتدا تا انتها خواند و کمکهای فراوانی برای بهتر شدن این تحقیق به من کرد.

رسول نمازی، دوست قدیمی من، به این خاطر که بسیاری از کتابهایی را که در ایران موجود نبود از فرانسه برای من فرستاد. بدون کمک این کتابها حتی یک خط هم نمی توانستم بنویسم.

سعید شجاعی، دوست و همکلاسی من، به خاطر اینکه تمام کتابخانه های تهران را گشت و بخشی از آثار انگلیسی برلین را برایم فراهم کرد، و از همه مهمتر به این خاطر که هر گاه به کسی احتیاج داشتم در کنارم بود.

شروین مقیمی، حمزه غالبی، مهدی امیری صفت، محمد رضا جنیدی، دوستان و همکلاسی  
های "قیاس ناپذیر" من در دانشگاه تربیت مدرس، به خاطر دوستی ها، بحثها، فریادها، خنده ها و  
روزهای خوشی که با هم گذرانیدیم.

یاشار جیرانی

اسفند ۱۳۸۷

## چکیده فارسی:

سر آیزایا برلین، فیلسوف سیاسی و تاریخ نگار اندیشه، یکی از اندیشمندان تاثیرگذار سیاسی قرن بیستم در دنیای انگلیسی زبان می باشد. او مولف دو نظریه معروف در مورد آزادی (مثبت و منفی) و پلورالیسم ارزشی است. این دو مفهوم، و رابطه آنها با یکدیگر، یکی از کلیدی ترین مسائل را در اندیشه لیبرالی معاصر شکل بخشیده اند. برلین در صورت بندی اش از پلورالیسم ارزشی از یک سو، به تکرار تقلیل ناپذیر ارزش ها و نبود هیچ فرا روایتی برای قضاوت بین آنها تاکید دارد، اما از سوی دیگر برلین در صورت بندی اش از مفهوم آزادی، آزادی منفی را به عنوان یک ارزش جهانشمول که نسبت به بقیه ارزشها برتری دارد به رسمیت می شناسد. در این تحقیق تلاش بر این بوده است که به بررسی رابطه مشکل ساز این دو مفهوم در اندیشه آیزایا برلین پرداخته شود. این کار از طریق تبیین دقیق هر کدام از مفاهیم، و سپس سنجش رابطه آنها انجام شده است. این تحقیق سعی داشته است با سنجش انسجام درونی ادعاهای برلین در مورد رابطه این دو مفهوم، قدمی در راه شناخت آرای آیزایا برلین، و هم قدمی در مسیر حل رابطه مشکل ساز دو مفهوم مذکور بردارد.

**واژگان کلیدی:** آیزایا برلین، آزادی، آزادی منفی، لیبرالیسم، پلورالیسم ارزشی، پلورالیسم اخلاقی، تکرارگری



## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	فصل اول: طرح تحقیق و کلیات
۲	۱-۱ طرح تحقیق
۶	۲-۱ مساله و فرضیه این تحقیق چیست؟
۱۱	۳-۱ چگونه به این مساله خواهیم پرداخت؟
۲۰	۴-۱ از چه روشی استفاده خواهیم کرد؟
۲۱	۵-۱ این تحقیق از چه فصولی تشکیل شده است؟
۲۳	فصل دوم: مونیسم و پلورالیسم
۲۷	۱-۲ نهضت روشنگری
۳۰	۲-۲ سه گزاره بنیادین مونیسم
۳۴	۳-۲ مونیسم اخلاقی
۳۶	۴-۲ انواع مونیسم اخلاقی
۳۹	۵-۲ راهی به سوی پلورالیسم ارزشی
۴۱	۶-۲ پلورالیسم ارزشی
۴۱	۷-۲ تکرر، عینیت و جهانشمولی ارزشها
۴۹	۸-۲ تضاد و تلفیق ناپذیری ارزشها
۵۳	۹-۲ قیاس ناپذیری
۵۶	۱۰-۲ مدل های تصمیم گیری در پلورالیسم
۵۸	۱۱-۲ چرا باید حرف برلین را باور کنیم؟
۵۹	۱۲-۲ مونیسم، آرمانشهرگرایی و علم گرایی
۶۳	۱۳-۲ پادزهر: پلورالیسم ارزشی
۶۶	فصل سوم: روش شناسی و معرفت شناسی
۶۸	۱-۳ ناگزیری تاریخ
۷۰	۲-۳ جهان طبیعی و جهان انسانی
۷۲	۳-۳ یکدلی
۷۵	۴-۳ نقد پوزیتیویسم منطقی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷۶	۳-۵ پیچیدگی واقعیت.....
۷۸	۳-۶ تعادل ناپایدار.....
۸۳	۳-۷ جمعبندی.....
۸۵	<b>فصل چهارم: آزادی</b> .....
۸۶	۴-۱ مقدمه ای بر بحث.....
۸۷	۴-۲ چرا دو مفهوم آزادی؟.....
۸۹	۴-۳ دو مفهوم یا دو برداشت؟.....
۹۰	۴-۴ پیش فرض و ریشه مفهومی آزادی.....
۹۲	۴-۵ برداشت منفی از آزادی.....
۹۶	۴-۶ برداشت مثبت از آزادی.....
۱۰۰	۴-۷ آزادی و انتخاب.....
۱۰۲	۴-۸ خلط مفهومی آزادی.....
۱۰۴	۴-۹ واژگونی آزادی.....
۱۰۷	<b>فصل پنجم: پلورالیسم ارزشی و آزادی؛ ارتباط و انتقاد</b> .....
۱۰۸	۵-۱ بالا/پایین.....
۱۱۱	۵-۲ سطح/عمق.....
۱۱۳	۵-۳ ارجحیت جهانشمول و انتزاعی آزادی منفی.....
۱۱۷	۵-۴ به کجا چنین شتابان؟.....
۱۱۸	۵-۵ مغالطه طبیعت گرایانه.....
۱۲۰	۵-۶ راه حل کانتی.....
۱۲۲	۵-۷ پلورالیسم و امتناع جهانشمولیت.....
۱۲۲	۵-۸ ضدیت با آرمانشهر.....
۱۲۵	۵-۹ ارزشهای جهانشمول.....
۱۲۹	۵-۱۰ مدلهای تصمیم گیری در قیاس ناپذیری و مساله «عقلانی تر» بودن.....
۱۳۴	۵-۱۱ رابطه امکانی پلورالیسم ارزشی و آزادی.....

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱۳۸.....	فصل ششم: نتیجه گیری
۱۴۴.....	منابع
۱۴۷.....	چکیده انگلیسی

# فصل اول

کلیات و طرح تحقیق

## ۱- اطرَح تحقیق:

در این تحقیق قصد بر این است که به بررسی انتقادی آرای آیزایا برلین پرداخته شود. دو مفهومی که رابطه آنها به شکلی انتقادی در آثار او مورد بحث قرار خواهد گرفت عبارتند از آزادی و پلورالیسم ارزشی.

نقشی که برلین در وضوح بخشیدن به این دو مفهوم در تاریخ اندیشه‌ها ایفا کرده است نقشی است غیر قابل انکار. اگر شما در اینترنت یا هر دایره المعارفی این دو مفهوم را جستجو کنید محال است که با نام آیزایا برلین مواجه نشوید. در واقع آیزایا برلین نسبت به هر دو مفهوم به نوعی نقش یک مولف را بازی کرده است.

تصویر سازی او از مفهوم آزادی بر اساس دو برداشت مثبت و منفی با توجه همه نقدهایی که به آن شده است همچنان پارادایم اصلی بحث در باب مفهوم آزادی در دنیای انگلیسی زبان است. به نظر او فهم مثبت از آزادی در پاسخ به سوال چه کسی بر من حکومت میکند؟ شکل می‌گیرد. بدین ترتیب برداشت مثبت از آزادی به سوی مفهوم خود سروری متمایل می‌شود (برلین ۱۳۸۰ : ۲۳۷). در این نگاه مساله این است که منشا کنترل و نظارت کجاست. اینکه من حاکم اعمال خودم باشم و کنترل زندگی خود را به دست گیرم. برداشت منفی از آزادی اما در پاسخ به این پرسش شکل می‌گیرد که قلمرو و محدوده‌ای که در آن آزادم تا کجاست؟ (همان : ۲۳۶) در این نوع برداشت از مفهوم آزادی مهم محدوده‌ای است «که درون آن بتوانیم بدون دخالت دیگران عمل کنیم» (همان). بدین ترتیب آزادی با مفاهیمی مثل دخالت یا عدم دخالت و مهمتر از همه با مفاهیمی مثل «فضا» و «محدوده» پیوند می‌خورد و از این زاویه به مفهوم آزادی نگریسته میشود. برلین هیچگاه میان این دو برداشت از

مفهوم آزادی بی طرفی اختیار نکرد. اگر چه معتقد بود هر دو برداشتهای اصیلی از مفهوم آزادی هستند اما در نهایت آزادی منفی ترجیح میداد. (همان : ۳۰۳)

از سوی دیگر به جرات می توان گفت برلین اولین کسی است که یک صورتبندی نظری جامع از مفهوم پلورالیسم ارزشی یا به قول بعضی پلورالیسم اخلاقی<sup>۱</sup> به دست داده است. پلورالیسم ارزشی به عنوان نظریه ای در ارزش شناسی<sup>۲</sup> و حوزه فرا اخلاق (گری ۱۳۷۹) در مقابل مونیسم اخلاقی<sup>۳</sup> قرار دارد. بر اساس پلورالیسم برلینی ارزشهای اصیل و پایه ای انسان بسیارند و گه گاه با یکدیگر در تضاد قرار میگیرند و برخی اوقات امکان قیاس و رتبه بندی آنها وجود ندارد. به خاطر همین قیاس ناپذیری<sup>۴</sup> و ناسازگاری<sup>۵</sup> موجود در میان ارزشهای ما به خصوص در میان ارزشهای غایی ما ، امکان اینکه همه آنها با یکدیگر در یک کل واحد گرد آیند و یا اینکه در نهایت راه حل نهایی برای سامان دادن معضلات اخلاقی موجود باشد از بین میروند. بدین وسیله پلورالیسم ارزشی منکر وجود هر گونه «ابر ارزش»<sup>۶</sup> و «معیار مشترک»<sup>۷</sup> در میان ارزشهای غایی<sup>۸</sup> ما می شود که از طریق آن بتوان بر تضادها فائق آمد یا ارزشهای متفاوت را قیاس پذیر ساخت.

همان طور که اشاره شد قصد بر این است که در اینجا به بررسی انتقادی دو مفهوم بالا پرداخته شود. در همین راستا لازم است با توضیح مفهوم نقد، به کارهایی که در به عنوان "بررسی انتقادی" آرای برلین انجام شده است بپردازیم، تا بدین ترتیب جایگاه این تحقیق در عرصه شناخت آرای برلین روشن شود.

بررسی انتقادی آرای یک اندیشمند می تواند به دو شکل عمده مطرح شود: ۱. نقد درونی ۲. نقد بیرونی. منظور از نقد در معنای اول این است که منتقد به انسجام درونی متن و یا مدعاهای اندیشمند

- 
1. Moral Pluralism
  2. Axiology
  3. Moral Monism
  4. Incommensurability
  5. Incompatibility
  6. Super Value
  7. Common Currency
  8. Ultimate Values

مورد نظر می پردازد بدون اینکه تطابق آنها با واقعیت بیرونی و یا نظریات جایگزین را بسنجد. در این حالت ما بیشتر به سازگاری گزاره ها و ادعاهای اندیشمند مذکور می پردازیم و سعی می کنیم که نقاطی که ادعاهای فرد مورد نظر با یکدیگر در تنش، تضاد و یا تناقض به سر می برند را آشکار سازیم.

اما نقد بیرونی بیشتر شامل بررسی و به محک زدن ادعاهای اندیشمند با واقعیت بیرونی و خصوصا نظریات جایگزین اندیشمندان دیگر است. به عنوان مثال هنگامی که ما بر اساس نقد بیرونی ادعاهای یک اندیشمند را بررسی می کنیم پرسش اصلی ما این است که آیا با واقعیت و حقیقت بیرونی متناظر است یا خیر. در دنیای فلسفه منظور از این واقعیت بیرونی، بررسی نظریات جایگزین دیگر اندیشمندان درباره مساله مورد بحث است. (Reschef 2001: 142-151)

اگر این دو شکل نقد را مبنا قرار دهیم بررسی انتقادی آثار برلین تا به حال ۵ موضوع اصلی را به خود دیده است:

### نقد درونی:

۱. اینکه موضع دقیق برلین نسبت به روشنگری و ضد روشنگری چیست؟ عده ای معتقدند که برلین موضع روشن و آشکاری را در این حوزه اتخاذ نکرده است و به شکلی سوداگونه در میان این دو نوسان می کند. عده ای دیگر معتقدند که برلین به شکلی منسجم به سمت یکی از آنها گرایش دارد. مثلا جرج کراودر در آثارش در نهایت به این نتیجه می رسد که برلین به شکل منسجمی طرف روشنگری را می گیرد (Crowder 2004: 95-123). اما امثال گری و گارام گارارد به عکس این مسئله باور دارند (گری ۱۳۷۹: ۹۹-۱۰۰).

۲. رابطه بین دو مفهوم لیبرالیسم و پلورالیسم یکی دیگر از نقاط بحث است. اینکه رابطه این دو با یکدیگر چیست؟ برلین چه رابطه ای را بینشان برقرار کرده است؟ آیا این دو مفهوم با هم ناسازگارند؟ آیا حقیقت پلورالیسم می تواند منجر به توجیه جهانشمول لیبرالیسم شود؟ همه این سوالات مربوط به

مساله فوق هستند که به عبارتی پر جنگ و جدل ترین حوزه برلین شناسی را بوجود آورده اند. در این نقطه از یک طرف کراودر و گلستون قرار دارند که پروژه لیبرالیسم و پلورالیسم برلین منسجم و همسو می بینند و در سوی دیگر گری قرار دارد که درست برعکس این امر می اندیشد.

۳. موضع برلین در قبال ناسیونالیسم و انواع آن نیز بحث های زیادی را بوجود آورده است. اینکه آیا برلین در نهایت یک ناسیونالیست است یا خیر؟ اینکه ناسیونالیسم برلین چه ارتباطی با صهیونیسم او دارد؟ او تقابل بین لیبرالیسم و ناسیونالیسم را چگونه ارزیابی می کند؟ چه رابطه ای میان ناسیونالیسم و پلورالیسم وجود دارد؟ این از آن موضوعاتی است که دیوید میلر ( *Crowder and Hardy* 2007: 181-207) و آویشای مارگالیت در مقالات متعددی به آن پرداخته اند.

#### نقد بیرونی:

۱. مهم تر از همه به تعبیر برلین از پلورالیسم ارزشی پرداخته شده است. اینکه ارزشها چگونه که برلین فرض می کند با یکدیگر متعارض نیستند. یا اینکه قیاس ناپذیری ارزشها چگونه که برلین تصور می کند امری فراگیر و گریز ناپذیر نیست. عده ای هم مانند دوورکین معتقدند که تعبیر برلین از تضاد و قیاس ناپذیری ارزشها اتکا به امری پیشینی و متافیزیکی است که توجیه صریحی را در تجربه نمی یابد (Dworkin, Lilla and Silvers 2001).

۲. تعبیر معروف برلین از آزادی مثبت و منفی هم یکی دیگر از حوزه های ادبیات انتقادی برلین شناسی را تشکیل می دهد. اینکه آیا اصلا این تفکیک درست است؟ آیا ارجحیت بخشی برلین به برداشت منفی از آزادی امری قابل پذیرش است؟ آیا فقط همین دو برداشت از آزادی را داریم؟ آیا اینها به اندازه کافی فراگیر هستند؟ آیا نقدهایی که برلین بر برداشت مثبت آزادی وارد می کند حقیقت دارند؟ اینها مسائلی هستند که امثال چارلز تیلر، کوئینتین اسکینر، جرالدمک کالوم و بسیاری دیگر از اندیشمندان به شکلی مداوم با آن درگیر بوده اند و هستند.



این پنج حوزه، حوزه های اصلی ادبیات انتقادی برلین شناسی هستند. به نظر می رسد مشخص شده باشد که موضوع این تحقیق در حوزه نقد درونی آرای برلین قرار دارد و برداشت خاصی را از حوزه شماره ۲، یعنی رابطه مساله انگیز پلورالیسم و لیبرالیسم ارائه خواهد داد. در اینجا به بررسی رابطه تعبیر برلین از پلورالیسم یا تعبیر او از مفهوم آزادی پرداخته خواهد شد و سعی خواهیم می شود که پس از تبیین و توضیح این مفاهیم در آثار برلین، به بررسی انتقادی رابطه مبادرت کنیم.

از این رو که این بحث عمدتاً با «نقد درونی» آرای برلین سر و کار دارد، سعی نشده است که به نقد ایده پلورالیسم ارزشی و آزادی برلین، بر اساس اصول نقد بیرونی پرداخته شود. به عبارتی اینکه این دو تعبیر --- از جنبه نقد بیرونی --- حقیقت دارند یا نه محل تمرکز این تحقیق نیست. در نتیجه در این تحقیق خیلی به نقدهای بیرونی پرداخته نشده است و فقط به آثار افرادی توجه شده است که نقد درونی این مفاهیم و روابط آنها با یکدیگر، دغدغه اصلی شان بوده است. بدین ترتیب آرا و تفاسیر شارحین اصلی برلین بیشتر از اظهار نظر های پراکنده اندیشمندان بزرگ در مورد برلین، مورد توجه قرار گرفته است. به این خاطر که شارحان اصلی یک اندیشمند معمولاً تمرکز خود را بر نقد درونی متمرکز می کنند (مگر اینکه شارح آشکارا قصد کند که بین برلین با اندیشمندان دیگر مقایسه کند و یا آرای برلین را با توجه به "بستر" بسنجد) در نتیجه تمرکز اصلی این تحقیق بر توضیح و تبیین دقیق این مفاهیم از نگاه برلین، و بررسی رابطه آنها از زاویه نقد درونی می باشد.

## ۱-۲ مساله و فرضیه این تحقیق چیست؟

الف. مساله:

هدف اصلی ما این است که بدانیم برلین چه رابطه ای میان آزادی به عنوان یک مفهوم و ارزش سیاسی و پلورالیسم ارزشی به عنوان یک مفهوم یا نظریه فرا اخلاقی برقرار کرده است؟

ب. فرضیه:

فرضیه ما این است که برلین با طرح کردن مفهوم انتخاب به عنوان وجه مشترک میان آزادی منفی و پلورالیسم ارزشی، آزادی منفی را سازگارترین ارزش سیاسی با حقیقت پلورالیسم ارزشی معرفی می کند.

### ج. اهمیت و تاریخچه مساله:

مدت زمان زیادی از «مساله شدن» این مساله نمی گذرد. تا قبل از دهه ی ۹۰ تمرکز شارحان برلین بر روی صورتبندی برلین از دو فهم مثبت و منفی آزادی و کلا مقاله ی دو مفهوم آزادی دور می زد. آنهم به شکلی مجزا از دیگر مقالات و آثارش. تا جایی که گلایه اکثر شارحانی که آثار خود را بعد از دهه نود در باب تصور برلین از آزادی نگاشته اند همین بی توجهی منتقدان نسبت به رابطه استدلالی مفهوم آزادی با دیگر مباحث و مفاهیم در آثار برلین بوده است ( : *Crowder and Hardy 2007* 119). این مساله با توجه به نقدهای افراد معروفی از قبیل تیلر، اسکینر و پتیت به مفهوم آزادی برلین هویداست. این مساله میتواند علل متعددی داشته باشد. اولی آنان خصلت پراکنده نویسی و پراکنده گویی برلین است. دایره وسیعی از مقالات پراکنده که در ژورنالها و نشریات مختلف با موضوعاتی --- حداقل به ظاهر --- مختلف و متفاوت به چاپ می رسید یکی از علل اساسی این مساله بود. در واقع، به جز مقاله ی دو مفهوم آزادی، که به همراه سه مقاله دیگر که در کتاب چهار مقاله در باب آزادی در سال ۱۹۶۸ به چاپ رسیدند، و کتاب کارل مارکس : زندگی و محیط که در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسیده بود برلین تا سال ۱۹۷۸ که هنری هاردی شروع به ویراستاری منظم مقالات پراکنده او کرد هیچ کتابی را منتشر نکرد. دلیل دیگری که می توان آورد مربوط است به بستر و فضای فکری زمانه ی برلین که همان دوران جنگ سرد است. در واقع این گفته آربلاستر صحیح است که ابزار جدید لیبرالهای بعد از جنگ، آموزه های پلورالیستی و شبه پلورالیستی بود. اما مقتضیات سیاسی و اخلاقی آن دوران که باعث می شد همه چیز را از زاویه کارایی آن در زمینه مقابله با خطر کمونیسم ببینند، منجر به این می شد که اتکا به مفاهیم دم دستی اخلاق هنجاری و سیاسی اولویت پیدا بکند. در

همین راستا از آن رو که صحنه اندیشه و فلسفه سیاسی آن دوران به شدت متأثر از تقابل دو دیدگاه سرمایه داری لیبرال و کمونیسم بود، این امر باعث می شد که مباحث فلسفه سیاسی بیشتر به سوی مقولات مورد منازعه آن دو دیدگاه از قبیل : برنامه ریزی و یا عدم آن، رابطه برابری و آزادی، تایید یا رد تاریخ گرایی غایت گرا، بحث عدالت و... رانده شود (Christman 2002 : 1-5). امتناع آشکار برلین از بحث «مستقیم» در چهارچوب مقولات نامبرده ( به جز یک مورد که همان بحث آزادی است) منجر به این شد که تقریباً نود درصد آثارش تا دهه نود نادیده گرفته شوند. و اما دلیل آخر که بسیار مهم به نظر می رسد این است که در واقع به غیر از مفهوم آزادی بقیه مفاهیم مهم اندیشه برلین از قبیل پلورالیسم و ناسیونالیسم تقریباً به شکلی انحصاری در آثار تاریخ اندیشه ای اش مورد بحث قرار گرفته اند و طبعاً، در آن دوران به علت تأکیدات پوزیتیویستی مبنی بر جدا سازی تقریباً قاطع دیسیپلینها کمتر در حوزه ی فلسفه ی سیاسی مورد توجه قرار گرفتند. مدارک نشان می دهد که آثار تاریخ اندیشه برلین از دهه ۵۰ تا ۸۰ بیشتر توسط تاریخ نگاران حرفه ای خوانده می شده است. (رجوع کنید به کتاب ای. اچ. کار تحت عنوان تاریخ چیست؟ ترجمه حسن کامشاد، نشر خوارزمی ۱۳۸۶)

اما از اواسط دهه ۷۰ به این طرف کم کم توجه به دیگر آثار برلین در میان اندیشمندان سیاسی آغاز می شود. لئو اشتراوس در مقاله فوق العاده هوشمندانه اش تحت عنوان نسبی گرایی به رابطه میان پلورالیسم ارزشی و دفاع برلین از آزادی منفی می پردازد (Strauss 1989 : 13-19). در سال ۱۹۸۰ جان گری متقدم در مقاله ای تحت عنوان درباب مفاهیم مثبت و منفی آزادی به بررسی رابطه آزادی منفی و پلورالیسم و در یک بستر کلی تر لیبرالیسم و پلورالیسم پرداخت و با این استدلال که در نهایت اتخاذ موضع پلورالیستی ما را به سمت پذیرش آزادی منفی، و لیبرالیسم به شکلی جهانشمول می برد، بحثش را پایان داد (Grey 1980 : 507-526).

اما تحول اساسی در خوانش برلین با فروپاشی شوروی سابق و تغییر مسائل و شرایط سیاسی جهان اتفاق افتاد. پایان یافتن جنگ سرد و تقابل ایدئولوژی‌ها و بر آمدن اشکال عجیبی از قوم‌گرایی، ناسیونالیسم و بنیادگرایی توجه به مساله تنوع و تکثر را --- چه در سطوح فرهنگی، اجتماعی، ارزشی و یا سیاسی --- به یکی از نیازهای اساسی فلسفه سیاسی تبدیل نمود. جان‌گری در یکی از قطعات تاثیر گذارش این تغییرات رادیکال را در سال ۱۹۸۹ این‌گونه جمع‌بندی کرده است: «سقوط توتالیتاریانیسم در شوروی را به احتمال زیاد می‌توان به عنوان رخدادی مصادف رو به زوال نهادن فرهنگ‌های غربی پرورش دهنده آن تلقی کرد. به نظر می‌رسد که کشمکش‌های مالتوسی، قومی و بنیادگرا --- بسیار بیشتر از هر ایدئولوژی اروپایی --- با جدیت بر قرن آتی سیطره جویند.» (گری ۱۳۸۱ : ۱۶۵) از آغاز دهه نود به بعد بحث تنوع و تکثر به دغدغه اصلی فلاسفه سیاسی تبدیل می‌شود و همین امر باعث می‌شود که اساساً مفهوم پلورالیسم در اشکال مختلفش (منجمله شکل اخلاقی آن) به یکی از کانون‌های اساسی بحث تبدیل شود. نقطه اوج این مساله تغییر جهت مشهور رولز از نظریه عدالت به لیبرالیسم سیاسی در سال ۱۹۹۴ است که واقعیت پلورالیسم<sup>۱</sup> را به عنوان یکی از مبانی اساسی نظریه اش می‌پذیرد (Rawls 1994). مساله رابطه لیبرالیسم و ارزش‌های لیبرالی با پلورالیسم فرهنگی، ارزشی، اجتماعی و سیاسی در همین دوران شکلی آکادمیک به خود می‌گیرد. این به رسمیت شناختن و محوریت مفهوم پلورالیسم در اشکال مختلفش به عنوان واقعیت یا به عنوان ارزش از ویژگی‌های فلسفه سیاسی دهه نود به این طرف است که دست بر قضا تا همین لحظه نیز ادامه دارد.

این اتفاقات مذکور باعث شد که ناگهان کانون توجه به سوی تمامی آثار برلین و به خصوص صورتبندی او از مفهوم پلورالیسم ارزشی معطوف شود. این مساله با انتشار کتاب چوب کج انسانیت<sup>۱</sup> در ایران تحت عنوان سرشت تلخ بشر، ترجمه لی‌لا سازگار، نشر ققنوس [۱۳۸۵] در سال ۱۹۹۱ که جمع‌آوری مقالات برلین در زمینه پلورالیسم ارزشی است شدت گرفت (برلین ۱۳۸۵). درست در

---

1. *Fact of Pluralism*